

## جواز یا عدم جواز اعدام تعزیری در فقه و قانون مجازات اسلامی

محمدعلی حاجی ده آبادی، دانشیار دانشگاه قم

مقدس فیروزمند، دانشجوی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

### چکیده

در این مقاله هدف بررسی مجازات اعدام تعزیری از منظر فقهی به خصوص فقه امامیه می باشد و سعی داریم با استفاده از احادیث و روایات و نظر فقهای این مساله بپردازیم که ای مجازات اعدام در باب مجازات های تعزیری قرار می گیرد یا نه. در حال حاضر در قانون مجازات اسلامی دو نوع اعدام وجود دارد، یکی اعدام حدی که در شرع معین شده مانند مجازات اعدام برای سرقت حدی بار چهارم، دیگری اعدام تعزیری مانند اعدام قاچاقچیان مواد مخدر می باشد، در مورد اعدام حدی اختلافی نیست بلکه اختلاف اصلی در مورد اعدام تعزیری می باشد، اکثر فقهای که جبهه ی مخالف اند معتقدند که مجازات تعزیری پایین تر از حد می باشد لذا اعدام تعزیری بایستی از سیستم حقوقی ایران حذف شود و مخالفان نیز دلایل خاص خود را می آورند که دلایل مخالفان پسندیده تر می باشد، لذا در این مقاله ما ابتدا کلیات از اعدام، تعزیر و حد، را خواهیم داشت و سپس در بخش بعدی به جایز بودن یا نبودن اعدام تعزیری می پردازیم.

کلیدواژه: اعدام-تعزیر-حد-فقه-قانون

## مقدمه

این مقاله از دویخس تشکیل شده است که در بخش اول مابه کلیات می پردازیم و در بخش دوم اعدام در فقه و قانون را بررسی می کنیم. هر کدام از این بخش ها خود به دو فصل تقسیم می شوند که هر فصل نیز شامل چند گفتار می باشند.

علی الرغم فتاوی فقها مبنی بر اینکه تعزیر یا پدیداز جنس تازیانه و کمتر از حد باشد و یا اگر هم غیر از تازیانه باشد، نباید هم سطح و بیشتر از حد باشد، مشاهده می شود که قانون گذار ایران، جرایم متعددی را که در ردیف جرایم حدی نبوده و مجازات معینی در شرع برای آن هامقرر نشده است، مستوجب اعدام دانسته و عنوان جرم را در مواردی افساد فی الارض دانسته است؛ از جمله جرایم مواد مخدر، جرایم اقتصادی....

باید گفت که هدف شارع اسلامی از وضع تعزیر، تادیب گناهکار بوده و یا عقوبتی که وی را از گناه بازدارد. نگاهی به رفتار بزرگان صدر اسلام و روایات و تصریح اغلب فقهانیز همین معنارامی رساند. دخیل کردن اعدام در باب مجازات های تعزیری قطعاً خلاف فلسفه و اهداف مجازات تعزیری است در این تحقیق به دنبال درک نظر فقها در باب مجازات اعدام تعزیری و کشف حکم ممنوعیت یا اباحه اعمال ان هستیم و اینکه اصولاً در فقه (اعم از امامیه و فقه عامه) در خصوص اعمال مجازات اعدام چه نظراتی وجود دارد؟ بر اساس نظرات فقها می توان مجازات اعدام را تعیین و اعمال کرد یا خیر؟ و اگر امکان اعمال مجازات اعدام وجود دارد، در کدام نوع از مجازات ها قابل اعمال است؟ در مورد اعدام تعزیری نظرات متفاوتی وجود دارد بعضی از فقها موافق و بعضی از ان هامخالف اند، اما در مورد اعدام حدی و قصاص اختلافی وجود ندارد.

## بخش نخست: کلیات

در این بخش تعریفی از اعدام و تعزیر و حد را خواهیم داشت که به ترتیب در فصل اول تاریخچه ی اعدام و معنای لغوی و اصطلاحی اعدام انواع اعدام را خواهیم داشت و در فصل دوم به بررسی تعریف تعزیر از منظر فقه و قانون و همچنین تعریفی از حد خواهیم پرداخت.

## فصل نخست: پیشینه و تعریف اعدام

در این فصل ابتدا به پیشینه اعدام در ایران می پردازیم و لیست کشورهایی که بیشترین میزان اعدام را به خود اختصاص داده اند می آوریم، و در اخر انواع اعدام در قانون ایران را نام برده و هر کدام را به صورت مختصر توضیح می دهیم.

### مبحث اول: پیشینه اعدام

اعدام نوعی کیفر و مجازات و به عبارت دیگر اشد مجازات برای محکوم است. این کیفر قبل از استقرار نظام جمهوری اسلامی و بر اساس قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ جرم به سه دسته جنایت جنحه و خلاف تقسیم شده بود. اعدام یکی از مجازات های اصلی جنایت تلقی می گردید به دلیل اینکه ساختار تشکیلاتی این نظام بر اساس دین اسلام تدوین نگردیده، مجازات قصاص و حد نیز در این قانون وجود نداشته و در واقع مجازات اعدام تنها جرم طالب حیات محسوب می گردید، قانونگذار اهمیت زیادی برای جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی قائل گردیده و برای تعدادی از این جرائم مجازات اعدام تعیین شده بود. ولی هم اکنون و بر اساس قانون مجازات اسلامی که ساختار تشکیلاتی ان از دین اسلام گرفته شده سه نوع اعدام وجود دارد. اعدام حدی، اعدام قصاص و اعدام تعزیری که مورد اختلاف است. اعدام که از دیرباز در اکثر کشورهای جهان وجود داشته است اکنون در اکثر کشورهای اروپایی منسوخ شده و ان را خلاف حقوق بشر می دانند، اما هنوز کشورهایی هستند که اعدام را قانونی و قابل اجرامی دانند که کشورمانیزیکی از ان کشورهاست که اعدام در ان قانونی است. کشورهای چین، ایران، عراق، عربستان سعودی، کره شمالی، امریکا از جمله کشورهایی اند که همه ساله بیشترین تعداد اعدام را به خود اختصاص می دهند.

## مبحث دوم: اعدام در لغت

اعدام از ریشه ی (ع-د-م) و به معنای نیست کردن، نابود گردانیدن و تهی دست شدن است (فرهنگ لغت معین). اعدام در لغت از ماده ی عدم و مصدر باب افعال است که به معنای فقیر گردیدن، نایاب شدن، بازداشتن، محروم نمودن و نیست و نابود گردانیدن آمده است. اعدام، ازاله ی حیات بزهکار به سبب جرم در حقوق خصوصی (قصاص) یا عمومی

(حدود) میباشد. (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۷۶). دکتر اردبیلی اعدام را جرم و به دار اویختن و صلب که همانا شیوه های کیفری سالب حیات اند می داند. (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۶۲). بنابراین این اعدام در لغت به معنای از بین بردن و گرفتن حیات از دیگری می باشد.

## مبحث سوم: اعدام در اصطلاح

در اصطلاح بدترین نوع مجازات را که شخص محکوم شده است یعنی همان سلب حیات را اعدام میگویند. اعدام شدید ترین نوع مجازات است، که توسط قانونگذار وضع و مقرر گردیده و به موجب آن حیات مجرم به طور کلی سلب گردیده و از ادامه ی زندگی بازمانده می شود. احمدی، ۱۳۸۶: ۵۵) منوچهر خزائی اعدام را چنین تعریف کرده است «اعدام مجازاتی است از درجه ی جنایی و در ماهیت رنج اور و رسواکننده یابه اصطلاح تریبی و تزدیلی که هدف از آن به ویژه طرد ابدی مجرم از جامعه است و در نتیجه با پایان دادن به حیات جنایتکار، جامعه را از خطر بالقوه ی سایر بزهکاران مصون می سازد» (خزائی، ۱۳۷۷: ۶۵).

اعدام نوعی کیفر و مجازات و به عبارت دیگر اشد مجازات برای محکوم است. این کیفر یکی از موارد پیش بینی شده در قانون برخی کشورهاست که در آن به حکم قانون و بر اساس حکم دادگاه عمومی، جنایی، نظامی و... زندگی یک انسان سلب وی شود.

انواع اعدام در حقوق کیفری اسلامی: در حقوق کیفری اسلامی سه قسم اعدام وجود دارد، قصاص، اعدام حدی، اعدام تعزیری.

اعدام قصاص: این اعدام در قبال قتل عمد اجمالی شود و دارای شرایط خاصی است، قصاص از حقوق الناس می باشد و در اختیار شاکی قرار دارد. چگونگی و شرایط اعدام قصاصی در قانون مجازات اسلامی در کتاب سوم یعنی قصاص آمده است.

اعدام حدی: می توان این گونه تعریف کرد همان مرگ یابه عبارت دیگری مجازات مرگی است که از طرف شارع مقدس معین شده است و نمی توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد. اعدام حدی بر طبق یک تقسیم بندی، دارای انواع ذیل است: الف؛ جرایم جنسی: شامل زنا (زنای محصنه یا با محارم یابه عنف و یا غیر مسلمان با زن مسلمان) لواط ب؛ جرایم علیه دین و امنیت و امنیت اجتماعی: شامل محاربه و ارتداد ب؛ جرایم تکرار جرم: همچون تکرار سه بار زنا که برای بار چهارم، حد اعدام جاری می شود. (خمینی، ۱۳۷۹: ۴۶۴)

اعدام تعزیری: قانونگذار ایران موارد متعددی از جرایم را که در ردیف جرایم حدی نبوده و مجازات معین در شرع برای آنها مقرر نشده است مستوجب اعدام دانسته و عنوان جرم را در مواردی محاربه و در مواردی افساد فی الارض می شمارد. برای مثال در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری بیان می دارد «کسانی که با تشکیل یار هبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مبادرت می ورزند... در صورتی چه مصداق مفسد فی الارض باشد مجازات آن ها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود». نمونه دیگران در جرائم مربوط به مواد مخدر است. بنابراین در این گونه جرایم یعنی جرائم اقتصادی و مواد مخدر و... که حکم اعدام برای آن ها صادر می شود اعدام تعزیری می گویند، به عبارت دیگر مجازات مرگی است که از سوی حاکم معین میشود و اعدام تعزیری می گویند.

همان طور که دیده می شود بین اعدام قصاصی وحدی اختلافی وجود ندارد چراکه از ناحیه شارع مقدس تعیین شده و باید به آن دستور عمل کرد. بحث اصلی روی اعدام تعزیری است که قانون آن را پذیرفته ولی بیشتر فقهاان را خلاف شرع می دانند و معتقدند که تعزیر مادون حد است، یعنی مجازات تعزیر از حد کمتر باشد که اگر این اصل پذیرفته شود باید بگوییم که چیزی به نام اعدام تعزیری نباید وجود داشته باشد. بحث اعدام تعزیری در فقه که موضوع اصلی ما وی باشد در بخش بعدی به آن می پردازیم.

## فصل دوم: تعریف تعزیر و حد

در این فصل سعی خواهیم کرد تعزیر و حد را هم در قانون و هم در فقه تعریف کنیم، تا تفاوت آن دو را دریابیم و آن ها را از یکدیگر تشخیص دهیم.

مبحث اول: تعریف لغوی و فقهی تعزیر:

تعزیر از ریشه ی «ع ز ر» به معنای نکوهیدن، ملامت کردن، تأدیب، مدد نمودن و یاری نمودن و توانا کردن، باز داری و... (فرهنگ معاصر عربی - فارسی/ ۲۹۱)

این واژه در اصطلاح فقهی به نوعی از مجازات شرعی اطلاق می گردد که برخلاف مجازات های حدی نوع و میزان کیفیت آن هادر شرع معین نشده و تعیین این امور در اختیار حاکم اسلامی گذارده شده است. در واقع هر عملی که مجازات معینی برای آن از جانب شارع تعیین نشده باشد تعزیر نام دارد. هر کس مرتکب معصیتی گردد که حدی برای آن معصیت تعیین نشده باشد تعزیری می شود، مثل کسی که مالی به اندازه ی نصاب از محلی بدون حفاظ و یا مالی کمتر از حد نصاب را از مکانی با حفاظ سرقت کند در این گونه موارد، امام آن فرد را تعزیری نماید. (طوسی، ۱۳۷۹: ۶۹).

تمام خمینی تعزیر را چنین تعریف می کند «هر کس واجبی را ترک کند یا مرتکب حرامی شود، پس امام یا نایب اومی تواند آن شخص را تعزیر کند» (خمینی، ۱۳۷۴: ۴۷۷) ۹ شایع ترین و در عین حال سهل انگارترین تعریف از این مفهوم نزد فقها عقوبت کمتر از حد (شرب دون الحد) است. (گلپایگانی، ۱۳۶۳: ۲)

مبحث دوم: تعریف تعزیر در قانون مجازات اسلامی و انواع تعزیر:

قانون گذار در ماده ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ تعزیرات را به هشت درجه تقسیم کرده است که اعدام در این دسته بندی نیامده است و در ماده ی ۱۸ نیز به تعریف تعزیر چپرداخته است «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیری به موجب قانون تعیین می شود...». این ماده به کاربرد دو گانه تعزیرات اشاره کرده است که یکی در موارد ارتکاب محرمات شرعی و دیگری نقض مقررات حکومتی، با توجه به این ماده باید بگوییم دو نوع تعزیر داریم: تعزیرات شرعی و تعزیرات حکومتی:

منظور از تعزیر شرعی مجازات هایی است که برای متخلفان از قوانین شرعی مانند ارتکاب محرمات بن اجرامی آید.

از جمله کارهایی که تعزیر شرعی دارد می توان به جرایم بر ضد عفت و اخلاق عمومی، هتک حرمت اشخاص، دشنام دادن، سرقت نای فاقد شرایط اجرای حد و... اشاره کرد. منظور از محرمات شرعی رفتارهایی است که حرمت شرعی دارد و در زمان شارع اختیار تعزیر تعزیران هادر دست حاکم بوده است بعضی از این رفتارها که کیفرهای تعزیری آن هادر شرع معین گردیده تعزیرات منصوص شرعی نامیده می شود. (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۶۲)

تعزیرات حکومتی مجازات هایی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد. از جمله اعمالی که تعزیر حکومتی دارد می توان به گرانفروشی، تقلب و... اشاره کرد.

«در برابر تعزیرات شرعی که گویا در عصر برده داری شایع بوده است و در روزگار ما منتفی است، رفتارهایی قرار می گیرند که نقض مقررات حکومتی قلمداد می شوند مانند تخلف از مقررات رانندگی که در زمان شارع وجود نداشته و به لحاظ نظم و مراعات مصلحت اجتماعی به موجب قوانین حکومتی وضع شده است. ضمانت های اجرای تکالیف جدیدی که به این گونه ایجاد شده است کیفیتهایی از نوع تعزیری است که به تعزیرات حکومتی شهرت دارد» (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۶۶).

مبحث سوم: تعریف حد

حد جمع ان حدود و در لغت به معنای حایل میان دو چیز و کنایه از انتها، کرانه یا مرز شئی است. در لغت عرب به معنی منع و جلوگیری کردن نیز آمده است. بر اساس تعریفی که قانون مجازات اسلامی از حد کرده حدمجازات است که موجب نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. به عبارت دیگر کیفیتهایی که شارع مقدس در کتاب و سنت برای برخی گناهان مهم از نظر کمی و احیاناً از نظر کیفی تعیین نموده است حدود نامیده می شود.

### بخش دوم: اعدام تعزیری در فقه و قانون

در این بخش ابتدا اعدام تعزیری از منظر قانون رابرسی میکنیم، مواردی که تعزیری اند ولی در قانون، مجازات ان اعدام ذکر شده است. سپس به بررسی اعدام تعزیری از منظر اهل سنت و اهل تشیع می پردازیم.

#### فصل اول: اعدام تعزیری در قانون مجازات اسلامی، مخالفان و موافقان اعدام تعزیری

قانون مجازات اسلامی موارد متعددی را که حدی نبوده، بلکه جزء تعزیرات بوده است در قانون برای آن مجازات اعدام ذکر کرده است، که در این فصل به ترتیب در مبحث اول این موارد را ذکر می کنیم و در مبحث بعدی بحث موافقان و مخالفان اعدام تعزیری می پردازیم.

#### مبحث اول: اعدام تعزیری در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی در موارد متعددی جرایمی را که حدی نبوده اند و برای آن مجازات معین شرعی مقرر نشده است رامستوجب اعدام دانسته است اینک به قوانین چندی، پیرامون جرایم تعزیری مستوجب اعدام می پردازیم.

ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، بخش تعزیرات و مجازات نای بازدارنده در فصل دوم در اهانتهای مقدسات مذهبی بیان می دارد؛ هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه (س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می شود...

باتوجه به اینکه جرم ساب النبی در بخش حدود قانون مجازات اسلامی نیامده است و در کتاب پنجم قانون تعزیرات ذکر شده است لذا از تعزیرات به حساب می آید.

ماده ۲ دیگر ماده ۲ قانون مبارزه با مواد مخدر است که بیان می دارد، هر کس مبادرت به کشت خشخاش یا... کند و یا برای تولید مواد مخدر به کشت شاهدانه بپردازد، علاوه بر اعدام کشت بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد... بار چهارم، اعدام.

ماده ۴ دیگر ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر است که بیان می دارد، هر کس بنگ و چرس و تریاک... وارد کشور یا صادر کند و یا رعایت تناسب و باتوجه به مقدار مواد مذکور به مجازات های زیر محکوم می شود... بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال...



علاوه بر مواد ذکر شده مواد ۵ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر نیز مواد دیگری اند که دران مجازات اعدام ذکر شده است.

باتوجه به این که قانون مبارزه با مواد مخدر توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است و مبنای آن مصلحت بوده و بر مبنای حکم حکومتی بتوان آن را توجیه کرد. (کازمی، ۱۳۸۹: ۴۷).

مورد دیگری ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری است که بیان می دارد، کسانی که باتشکیل باریبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند و در صورتی که مصداق مفسدفی الارض باشند مجازات آن هامجازات مفسدفی الارض خواهد بود.

می توان گفت که مجازات مورد نظر در اینجا اعدام تعزیری است که از باب دفع افساد فی الارض پیش بینی شده است.

#### مبحث دوم: مخالفان و موافقان اعدام تعزیری

موافقان اعدام تعزیری؛ طرفداران اعدام تعزیری برای مشروعیت نشان دادن اعدام تعزیری به این سه مورد استناد می کنند؛ استناد به افساد (فساد فی الارض)، قاعده اختیارات حاکم بنا به مصلحت جامعه، امر به معروف و نهی از منکر. (ساریخانی، ۱۳۹۳: ۳۲) طرفداران اعدام تعزیری برای مشروع نشان دادن اعدام تعزیری دلایل خاص خود را دارند، آن ها بر این باورند مجازات تعزیری که در اختیار حاکم قرار دارد حاکم باید بنا به مصلحت جامعه اقدام کند و به گونه ای عمل کند که شخص دیگر مرتکب چنین فعلی نگردد و هر مجازاتی را که صالح تر و پیشگیرنده تر است را اعمال کند. آنها معتقدند که جرایمی که موجب فساد در روی زمین می شود حاکم می تواند، در صورتی که مصلحت جامعه اقتضا کند برای برچیدن فساد در روی زمین حتی برای جرایم تعزیری حکم اعدام صادر کند.

علاوه بر این آنان برای مشروعیت دادن به اعدام تعزیری به قاعده امر به معروف و نهی از منکر نیز استناد می کنند. آن ها معتقدند در صورتی که انکار قلبی و زبانی موثر نباشد می توان راه سومی را که همانا انکار به صورت فیزیکی است را برگزید.

مخالفان اعدام تعزیری؛ در مقابل طرفداران اعدام تعزیری که بیشتر به سه موردی که بالا ذکر شد، استناد می کردند، مخالفان نیز به پاسخ وردان پرداخته اند. هاشمی شاهرودی معتقد است که افساد در زمین به فساد اختصاص دارد که به صورت ظلم و تجاوز به جان و مال و اسایش دیگران باشد و همه ی معاصی را در بر نمی گیرد. (شاهرودی، ۱۴۱۹: ۲۴۴) ایشان از جمله دلایلی که برای سخن خود آورده است، که عنوان «مفسد فی الارض» به خودی خود اطلاقی ندارد تا غیر از موارد عدوان و تجاوز به جان و مال و ناموس را در بر گیرد.

می توان گفت فساد و محاربه باهم سنخیت دارند و در جایی می توان مرتکب آن دورا به مرگ محکوم کرد که خون بی گناهی را ریخته یا تاجایی پیش رفته است که اگر جلوی آن گرفته نشود به مرگ انسان های بی گناه دیگر خواهد انجامید. اعدام به استناد فساد منحصر در جایی خواهد بود که عملکرد مجرم ریختن خون یا تهدید جدی بن ریختن خون باشد که این هم به نوعی حمایت از حق حیات است. (ساریخانی، ۱۳۹۳: ۱۴).

در مورد قاعده اختیارات حاکم باید گفت که، قاعده التعزیر دون الحد، اعدام را تخصیص و استثنایی بر اختیارات حاکم است، زیرا با توجه به قاعده ی التعزیر دون الحد، تعزیر باید پایین تر از حد باشد. موارد پایین تر از حد از اختیارات حاکم است که می تواند اعمال کند، نه اعدام.

در مورد اینکه برخی امر به معروف و نهی از منکر را دلیل جواز اعدام تعزیری می دانند، مخالفان نیز برای آن دلایل قانع کننده ای آورده اند و به این ایه اشاره کرده اند «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم نار» (تحریم، ایه ۶) درخواست اطاعت از فرامین الهی و دوری از موارد نپهی را کافی می داند.

در صورت تردید در جواز قتل در مقام نهی از منکر باید بگوییم که اصل بر عدم وجوب نهی از منکر است، زیرا ازار رساندن به دیگران از نظر عقل و شرع قبیح است تا دلیل شرعی در میان نباشد نمی توان بر اساس این قاعده اقدام کرد.

## فصل دوم: اعدام تعزیری در فقه اهل تشیع و اهل سنت

در این فصل نظریات فقهای امامیه و فقهای عامه را در مورد اعدام تعزیری می آوریم، هم فقهای اهل تشیع و هم فقهای اهل سنت هر کدام در بین خودشان نظرات مختلفی در مورد اعدام تعزیری دارند، برخی از آن ها با اعدام تعزیری موافق اند اما بعضی دیگر مخالف اعدام تعزیری اند و معتقدند که مجازات تعزیری بایستی میزانش پایین تر از مجازات حدی باشد، در این فصل به نظریات آن ها می پردازیم.

### مبحث اول: اعدام تعزیری در فقه اهل تشیع

فقهای اهل تشیع نیز معتقدند که مجازات تعزیری باید کمتر از مجازات حدی باشد، نه هم سطح یا فراتر از آن و در این مورد بین آن ها تقریباً اختلافی وجود ندارد آن ها به اصطلاح (التعزیر بمادون الحد) که در لسان فقها به صورت یک لفظ رایج و متداول در آمده است استفاده می کنند، اما اینکه بعضی ها تصور نموده اند که معنای دون الحد این است که مجازات تعزیر غیر از مجازات حدی است تصور صحیحی نمی باشد. چرا که با رجوع به کلمات فقها قطع حاصل می شود که منظور آن ها از اصطلاح رایج فوق آن است که میزان مجازات تعزیری نباید هم سطح یا بالاتر از مجازات حدی قرار گیرد و عقلاً هم مجازات حدی دارای اهمیت فوق العاده ای بوده است که برای اعمال آن مجازات ها باید در چهار چوب خاص خود اقدام شود، برخلاف مجازات های تعزیری که اهمیت کمتری نسبت به جرایم حدی داشته و لذا مقررات اسانتری در مورد آن وضع شده است (کاملی، ۱۳۸۹: ۴۵).

حالی که برای تایید این مطلب نظرات برخی از فقهای شیعه که در این باره نقل شده است را می آوریم. شیخ طوسی در خلاف چنین می گوید «لا یبلغ بالتعزیر حد کاملاً بر یکون دونه» تعزیر موقوف بر نظر امام است، و مقدار تعزیر به حد نمی رسد. مجازات تعزیری مشخص نیست زیرا اگر حد اقل آن مشخص باشد، مجازات حدی خواهد بود.

شیخ مفید در کتاب المقنعه می گوید «کسی که با حیوان آمیزش کند، تعزیر می شود به مقدار کمتر از حد زنا و لواط و قیمت چهار پا را نیز باید به صاحبش بپردازد»

بنابراین شیخ طوسی، شیخ مفید حتی حلی کسانی هستند که پایین بودن مجازات تعزیر از حد را قبول دارند، (کاملی، ۱۳۸۹: ۵۰). علاوه بر این هافقیهان دیگری نیز وجود دارند که نظر آن ها را پذیرفته اند که مهمترین آنها نظر امام خمینی است، امام خمینی در این مورد چنین بیان می دارد «التعزیر دون الحد و بنظر الحاکم والا حوط ره فیما لم یدل دلیل علی التقدير عدم التجاوز عن اقبل الحدود» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴۷۷).

همان طور که می بینید امام خمینی صراحتاً اعلام میدارد که تعزیر پایین تر از حد و به نظر حاکم است. دکتر ابوالقاسم گرجی در مورد تعزیر و حد می گوید «اهتمام شارع مقدس همواره بر آن بوده است که نظام مادی و معنوی معینی ایجاد و از آن محافظت کند و بدیهی است برای بازداشتن مردم از مخالفت با این نظام، حاکم باید بتواند مخالف را کیفر دهد. حال اگر شارع مقدار و کمیت و عقوبت را تعیین نموده باشد، آن را حد گویند و اگر چنین نباشد و موقوف به نظر و صلاح حدید حاکم باشد آن را تعزیر گویند. از این رو گفته می شود که اصل در تعزیر عدم تعیین آن است. مع هذا مسلم است که مقدار آن کمتر از مقدار حد می باشد. (گرجی، ۱۳۸۱: ۱۰۵).

البته اگر چه به ندرت برخی از فقها قائل به امکان هم سطح بودن مجازات تعزیری و حدی شده اند اما آنان نیز در عمل احتیاط کرده و به آن حکم نمی دهند.

مبحث دوم: اعدام تعزیری در فقه اهل سنت

اکثر فقهای اهل سنت نیز به مانند فقهای امامیه معتقدند که مجازات تعزیر کمتر از حد می باشد لذا آن ها اعدام تعزیری را قبول ندارند. اما باین حال گروهی از جمله ماوردی معتقدند که اعدام تعزیری در صورتی که به مصلحت جامعه باشد حاکم می تواند حکم صادر کند.

به اتفاق همه فقهای اهل سنت، آنها معتقدند تعزیر مجازات هر گناهی است که حد و کفاره ای برای آن تعیین نشده است. فقها و دانشمندان اهل سنت قتل را در مواردی که مصلحت باشد، مورد تاکید قرار داده اند. امام محمد با زهره نیز معتقد است که اکثر فقها قتل تعزیری را در صورتی که شخص مرتبا مرتکب جرم شده و فساد ناشی از جرایمش جامعه را تهدید کند جایز است (کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۹).

فقهای عامه معتقدند که تعیین اقل مقدار تعزیر منوط به اجتهاد و نظر امام و شخصیت مجرم است، لیکن برخی از آن ها با استناد به روایتی، بیشتر از ده تازیانه را جایز ندانسته اند، برخی دیگر با فقهای امامیه موافقت نموده اند (گرچی، ۱۳۸۱: ۱۰۵).

### نتیجه گیری

باتوجه به آنچه که در بالا ذکر کردیم، موضوع اعدام تعزیری در بین فقها اختلافی است. شماری از فقها معتقدند که اعدام تعزیری جایز است، اما تعداد زیادی از فقها مخالف اعدام تعزیری میباشند و معتقدند که مجازات های تعزیری از حیث شدت و میزان به هیچ وجه نباید فراتر از مصلحت مجازات های حدی باشد. در تایید نظر دوم یعنی مخالفان اعدام تعزیری نگارنده بر این باور است که باتوجه به احادیث و روایات و همچنین قاعده ی «دون الحد» و بر اساس فلسفه و اهدافی که شارع اسلامی از مجازات های تعزیری در نظر داشته است، مجازات اعدام در باب تعزیرات راه ندارد. در بیشتر روایات و احادیثی که از بزرگان فقه وجود دارد به صراحت بیان می دارد که اعدام تعزیری مجازاتش پایین تر از حد می باشد و لذا در صورتی که اعدام تعزیری را قبول داشته باشیم میزان و شدت مجازات تعزیری از مجازات حدی فراتر می رود که این خلاف فقه و شرع می باشد.

پیشنهاد: متأسفانه در نظام حقوقی کشور ما نیز در سال های اخیر شاهد تعداد زیادی از اعدام در جرایم تعزیری می باشیم که قانونگذار مادر راستای حفظ حاکمیت و از میان برداشتن مخالفان اعمال کرده است. بیهی است که باتوجه به ساختار نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر فقه است، تغییر قوانین مبتنی بر شریعت میسر نیست و تنهایی توان اعدام هایی را که قانونگذار را سا ان ها را وضع کرده است، از مجموعه قوانین حذف کرد، و مجازات های دیگری جایگزین آن کرد. مانند جرایم مربوط به قاچاق چپیان مواد مخدر بدیهی است که با حذف اعدام تعزیری هم از شرع تخطی نمی شود و هم از تعداد بالای اعدام ها که وجه کشورمان را تخریب می کند به طور ملموسی کاسته خواهد شد.



## فهرست منابع

کتاب:

- ۱: احمدی موحد صفر: اجرای احکام کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶
- ۲: اردبیلی محمد علی: حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲
- ۳: خزایی منوچهر: فرایند کیفری، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۷
- ۴: خمینی روح الله: تحریر الوسیله، قم، موسسه نشر آثار، ۱۳۷۸
- ۵: علی طوسی محمد بن: مبسوط، قم، انتشارات قدس، چاپ سوم، بی تا
- ۶: گرجی ابوالقاسم: حدود و تعزیرات، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- ۷: لنگرودی محمد جعفر: مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷
- ۸: هاشمی شاهرود: بایسته های فقه جزاء، تهران، نشر دادگستری، ۱۴۱۹ ق
- ۹: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- ۱۰: قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶

مقاله

- ۱: ساریخانی عادل: پژوهش حقوق کیفری سال سوم، ۱۳۹۳
- ۲: کاظمی سهراب: قلمرو مجازات تعزیری، سال ششم، ۱۳۸۹